روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

پنجشنبه | ۲۹ آبان ۱۴۰۴ | ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ | ۲۰ نوامبر ۲۰۲۵ | سال هجدهم | شماره ۴۴۶۸ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان

| ۱۱۹۱ سال و ۸۰ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4468 | THU.NOV.20, 2025 | ISSN:2008-2886

مراسم رونمایی از تقریظ رهبر انقلاب بر ۳ کتاب حوزه دفاع مقدس در تهران و ۶۰ نقطه کشور برگزار شد

غصه‌ها و قصه‌های عاشقانه

صفحه ۸

درباره اظهارات عجیب طارمی برای توجیه عملکرد افتضاح بازیکنان و کادر فنی تیم ملی

عروس‌خانم و زمین کج!

صفحه ۶

پس از اروپا و آمریکا، حالا ژاپن نیز به دنبال از سرگیری فعالیت بزرگ‌ترین نیروگاه هسته‌ای دنیاست

جهان هسته‌ای

صفحه ۷

عکس: نیروگاه هسته‌ای کاشیوازاکی - کاریوا/ ژاپن

تیترهای امروز

سفر محمد بن‌سلمان به آمریکا و استقبال ویژه ترامپ از او چه واقعیت‌هایی را به نمایش گذاشت

بنگاه کاخ سفید

همین صفحه

بررسی تأثیر چالش اقتصادی بر شکاف درآمدی

معمای تورم و معیشت

صفحه ۳

سفر فرمانده ارتش لبنان به آمریکا بعد از مقاومت در برابر خواسته‌های واشنگتن لغو شد

هیکل ایستاده

صفحه ۷

جای خالی سفره خوش رنگ و لعاب غذای ایرانی در رستوران‌های جهان

این طعم چشیده نشد

صفحه ۴

تحلیل گفتمان رهبر انقلاب پس از جنگ ۱۲ روزه تا امروز

نگاه
جعفر حسن‌خانی

بعد از هر بحران، فرصتی برای بازاندیشی و شکل‌دهی به آینده به وجود می‌آید. در تاریخ انقلاب اسلامی، یکی از نقاط عطف حساس و تعیین‌کننده، جنگ ۱۲ روزه بود که تهدیدات خارجی و داخلی نظام جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. در چنین شرایطی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در گفتارشان از یک گفتمان کلان و همه‌جانبه سخن گفتند که نه‌تنها بازتاب‌دهنده تحلیل شرایط موجود، بلکه نقشه راهی برای مواجهه با چالش‌ها و تهدیدات آینده بود. در این یادداشت، به طور جامع و تحلیلی به مفاهیم کلیدی و محورهای اساسی گفتمان «ایران قوی» پرداخته شده است.

■ گفتمان «ایران قوی» دال کانونی گفتار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

پس از جنگ ۱۲ روزه، رهبر معظم انقلاب اسلامی گفتمان «ایران قوی، پیروز و متحد مبتنی بر اراده ملی و نصرت الهی» را به عنوان دال کانونی و محوری بیانات‌شان مطرح کردند. این دال کانونی تنها به پیروزی نظامی و ارتقای قدرت نظامی ایران اشاره ندارد، بلکه مفهوم عمیق‌تری از پیروزی را به تصویر می‌کشد. پیروزی در این گفتمان نه‌تنها در میدان جنگ، بلکه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز معنا می‌یابد. این مفهوم، بویژه در برابر تهدیدات نظامی و تحریم‌ها، مفهوم «قوی بودن» را از یک پیروزی صرفاً نظامی به یک پیروزی در ابعاد مختلف گسترش می‌دهد. به عبارت دیگر، ایران باید در تمام سطوح، از قدرت نظامی گرفته تا قدرت علمی، اقتصادی و اجتماعی، قوی باشد. در این گفتمان، «پیروزی» به معنای از دست ندادن اراده ملی و حفظ وحدت و یکپارچگی ملت ایران است.

■ «دشمن مستکبر» دال فرعی گفتمان ایران قوی

رهبر انقلاب اسلامی در تحلیل دشمن‌شناسی، دشمن اصلی جمهوری اسلامی را استکبار جهانی بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی معرفی کردند. در این گفتمان، دشمن به عنوان یک موجودیت مستکبر و سلطه‌جو تعریف می‌شود که به دنبال تحمیل تسلیم ایران است. بیانات معظم‌له به وضوح نشان می‌دهد هدف دشمن تنها محدود به مسائل تاکتیکی نظیر مساله هسته‌ای و حقوق بشر نیست، بلکه دشمن در پی نابودی استقلال ایران و تبدیل آن به یک کشور مطیع است. این گفتمان از هرگونه ساده‌انگاری در مواجهه با دشمن جلوگیری و تحلیل جنگ‌ها و بحران‌های گذشته را به عنوان تجربه‌ای برای تقویت اراده ملی ایران ارائه می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

تحقیر چپ در آغوش راست

دیدگاه
محمدامین حقگو

نامه‌ای که این روزها از سوی شماری از اقتصاددانان بازار آزاد یا راست منتشر شده و در حمایت از بازداشت‌شدگان «نقد اقتصاد سیاسی» یا اقتصاددانان موسوم به چپ طنین‌انداز شده، اگر به دقت خوانده شود، بیش از آنکه نشانه یک کنش انسانی بی‌طرفانه و دانشگاهی باشد، نشان تولد یک ائتلاف سیاسی است. این بیانیه که به امضای افرادی چون موسی غنی‌نژاد رسیده، در ظاهر اقدامی انسان‌دوستانه و در دفاع از «آزادی بیان» است اما با نگاهی عمیق‌تر به لایه‌های پنهان این متن و زمینه سیاسی آن، می‌توان آن را نه یک دغدغه اخلاقی، بلکه یک مانور سیاسی حساب‌شده برای تشکیل ائتلافی علیه اسلام سیاسی و نظام جمهوری اسلامی ایران تحلیل کرد.

۱- ائتلاف سیاسی در پوشش آزادی بیان

بیانیه مذکور با محکوم کردن «برخورد امنیتی با اهل قلم» خواستار آزادی فوری افرادی چون پرویز صداقت، محمد مالجو و دیگران شده و این اقدام را «مغایر اصول اخلاقی و حقوق شهروندی» خوانده است اما آیا این دلسوزی ناگهانی اقتصاددانان راست‌گرا برای رقبای ایدئولوژیک خود صادقانه است؟ برای درک نیت واقعی این بیانیه، باید به کنش‌های رسانه‌ای - دانشگاهی اخیر یکی از چهره‌های شاخص اقتصاد چپ و از بازداشت‌شدگان - محمد مالجو- با مسعود نیلی، از مدافعان اقتصاد آزاد و از امضاکنندگان بیانیه رجوع کرد.

مالجو در آن مناظره به صراحت بیان کرد ریشه اصلی مشکلات اقتصاد ایران نه در تقابل یا استقرار یکی از سیاست‌ها و دیدگاه‌های چپ و راست طی چند دهه اخیر، بلکه در ماهیت «اسلام سیاسی» حاکم است. او از اقتصاددانان با گرایش‌های مختلف خواست اختلافات خود را کنار بگذارند و علیه اسلام سیاسی که ریشه همه مشکلات است متحد شوند. حال بیانیه حمایتی اقتصاددانان راست، به رهبری فکری افرادی چون غنی‌نژاد، به نظر می‌رسد پاسخی مثبت به این فراخوان است، پیامی روشن مبنی بر اینکه دعوت به ائتلاف دریافت شده و زمان آن رسیده ۲ جریان فکری متضاد، در برابر یک دشمن مشترک مستقر، متحد شوند.

از این رو این بیانیه به رغم ژست آزادی‌خواهانه و علمی‌اش، در هسته خود کاملا سیاسی است. این یک اعلام آمادگی برای عبور از تمام مرزبندی‌های نظری و تاریخی است تا جبهه‌ای واحد علیه سیاست رسمی کشور شکل گیرد. دغدغه اصلی، نه آزادی بیان، بلکه تضعیف ساختاری است که هر ۲ جریان آن را مانع تحقق ایده‌های خود می‌بینند.

۲- تحقیر چپ در ائتلاف با راست

ائتلاف میان چپ و راست، ۲ قطب تاریخی اندیشه که قرن‌ها در نزاع فکری و سیاسی بوده‌اند، تنها در یک حالت ممکن می‌شود؛ زمانی که یکی از طرفین از منظر تئوریک و اندیشه‌ای تهی شده باشد. به نظر می‌رسد جریان چپ در ایران به چنان درجه‌ای از استیصال رسیده که برای بقا، دست یاری به سوی رقیب دیرینه خود دراز می‌کند اما این ائتلاف، به قیمت تحقیر و نادیده گرفتن هویت چپ تمام شده.

این تحقیر را می‌توان در ادبیات خود بیانیه مشاهده کرد. امضاکنندگان که از اردوگاه اقتصاد بازار آزاد هستند، در متن بیانیه خود را «اقتصاددانان آزادی‌خواه» می‌نامند و با این عنوان، جایگاه علمی و ایدئولوژیک خود را تثبیت می‌کنند اما در مقابل، اقتصاددانان چپ‌گرا را در بیانیه با عناوینی چون «چند فعال رسانه» یا «پژوهشگر» مورد خطاب قرار می‌دهند. انتخاب کلمات تصادفی نیست. این ادبیات، شأن و جایگاه آکادمیک و نظری آنها را به عنوان «اقتصاددان» نادیده می‌گیرد و در همان ابتدای ائتلاف، سلسله‌مراتب قدرت را مشخص می‌کند. راست‌گرایان به عنوان نظریه‌پردازان اصلی و درجه یک و چپ‌گرایان به عنوان کنشگران میدانی رسانه‌ای درجه ۲ قرار دارند. این نشان می‌دهد جریان راست حتی هنگام ارائه حمایت، حاضر به اعطای هویت و اعتبار کامل به متحدان جدید خود نیست!

■ قدرت نظم مستقر و نوید افقی نو

اگر اقتصاد راست را نماینده نظم مستقر جهان بدانیم که اقتصاد ایران نیز به ناچار تا حدودی تحت تأثیر آن قرار دارد، بدیل و جایگزین این نظم هرگز نمی‌تواند اندیشه‌ای ورشکسته و ناتوان همچون اقتصاد چپ باشد. یک بدیل واقعی باید دارای قدرت درونی، استقلال فکری و صاحب «تشخص» باشد. اینکه جریان چپ، با آن سابقه طولانی مبارزه ضدسرمایه‌داری، امروز برای پذیرفته شدن در تیم رقیب التماس می‌کند، نشان‌دهنده ضعف بنیادین آن در ارائه یک آلترناتیو کارآمد است.

این اتحاد بی‌سابقه میان چپ و راست علیه جمهوری اسلامی، بیش از آنکه نشانه ضعف نظام باشد، گواهی بر قدرت آن به عنوان یک «نظم مستقر» و یک «راه سوم» یا بدیل است. جمهوری اسلامی ایران توانسته در ۵ دهه گذشته، نظمی سیاسی و اقتصادی مبتنی بر مبانی ارزشی و فکری مستقل خود پایه‌ریزی کند که در دوگانه سنتی چپ/راست نمی‌گنجد. این ائتلاف نامقدس، در واقع واکنش انفعالی ۲ جریان فکری قدیمی به ظهور افقی نو در نظام‌سازی سیاسی و اقتصادی است که هر ۲ را به حاشیه رانده است. این همگرایی از سر استیصال، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی توانسته به عنوان یک آلترناتیو جدی، هر ۲ جریان ایدئولوژیک وارداتی را به چالش بکشد و آنها را وادار به اتحادی کند که در تاریخ اندیشه بی‌سابقه است. در نهایت، این بیانیه بیش از آنکه زنگ خطری برای نظام باشد، ناقوس مرگ ایدئولوژیک جریان‌هایی است که هویت خود را در تقابل با یکدیگر تعریف می‌کردند و امروز برای بقا، مجبور به کنار گذاشتن تمام اصول خود شده‌اند.

سفر محمد بن سلمان به آمریکا و استقبال ویژه ترامپ از او چه واقعیت‌هایی را به نمایش گذاشت

بنگاه کاخ سفید

یادداشت
علیرضا حقیقت

سفر محمد بن‌سلمان به آمریکا در ادامه تحولات پرشتاب منطقه‌ای می‌تواند به نقطه عطفی در روابط ریاض - واشنگتن یا ایده‌آل‌های مطلوب رئیس‌جمهور آمریکا یا ولیعهد بلندپرواز سعودی تبدیل شود؟ یافتن پاسخ این پرسش نیاز به گذشت زمان دارد.

در ظاهر، جلسه دفتر بیضی کاخ سفید، دور دیگری از دیپلماسی ترامپ بود؛ پر از مشاجره با روزنامه‌نگاران، لاف‌زنی و اظهارنظرهای بی‌مقدمه. پویایی‌های موجود در کاخ سفید اما بسیار متفاوت بود. این پویایی‌ها به ریاض در ایجاد تعادل مجدد در رابطه‌ای که به جنگ دوم جهانی و تغییر توازن قدرت جهانی برمی‌گردد، اشاره می‌کند.

ترامپ و ولیعهد سعودی حدود ۴۰ دقیقه به سوالات خبرنگاران درباره هر موضوعی، از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار عربستانی و ستون‌نویس واشنگتن پست گرفته تا تراشه‌های هوش مصنوعی و فروش جنگنده‌های «اف ۳۵» پاسخ دادند.

قسمت دوم نمایش شکوه و زرق و برق به سبک ترامپ، سه‌شنبه شب این بار در کاخ سفید برگزار شد. تاجر نیویورکی در استقبال از بن‌سلمان کم نگذاشت؛ استقبالی که برای یک تریلیون دلار سرمایه‌گذاری سعودی‌ها در آمریکا ضروری بود. قسمت اول این نمایش تجمل البته در تور خاورمیانه‌ای ترامپ و سفر رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان روی پرده رفته بود. تمجیدهای غلوآمیز ترامپ از بن‌سلمان و حکام سعودی که او آنها را در شمایل یک قلک پول متحرک می‌بیند، یکی از جنبه‌های پررنگ سفر اردیبهشت بود که سه‌شنبه شب امتداد آن به اتاق بیضی کشیده شد.

این سیاست عصر ترامپی است. او برای سرکیسه کردن، از محمد بن‌سلمان به عنوان یک رهبر برجسته بزرگ یاد و تمام سوابق سیاه عربستان را پاک می‌کند؛ در مقابل ولیعهد سعودی یا رهبر هر کشور دیگری مجبور است از نقش پررنگ ترامپ در رساندن آمریکا به بهترین وضع خود در تاریخ ایالات متحده داستان‌سرایی کند تا از گزند تعرفه‌ها یا «صلح از طریق قدرت» او در امان بدهد.

با این همه، سفر محمد بن‌سلمان حول چند محور قابل ارزیابی است. این سفر فردای قطعنامه آمریکا در سازمان ملل برای تداوم آتش‌بس در غزه و آینده این باریکه فلسطینی انجام شد. واشنگتن انتظار دارد طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ و حالا قطعنامه سازمان ملل، عربستان را در پروسه غزه بیشتر درگیر کرده و هزینه بازسازی نوار غزه را روی دوش عربستان قرار دهد؛ درست همان‌طور که ترامپ در جلسه کاخ سفید وقتی از وی در این باره سوال شد، رو به بن‌سلمان گفت عربستان خیلی زیاد هزینه خواهد کرد! از طرف دیگر، ترامپ روند جاری را کاتالیزوری برای پیوستن عربستان به توافقات آبراهام ارزیابی می‌کند. محمد بن‌سلمان هم تمایل سعودی برای عادی‌سازی با اسرائیل را با صراحت بیشتری در حضور ترامپ مطرح کرد.

ولیعهد سعودی گفت: «ما می‌خواهیم بخشی از توافقنامه آبراهام باشیم اما همچنین می‌خواهیم مطمئن شویم مسیری روشن برای راه‌حل ۲ کشوری وجود دارد. امروز درباره این موضوع گفت‌وگوی خوبی داشتیم و باید روی آن کار کنیم تا شرایط مناسب در اسرع وقت فراهم شود».

هزینه/ فایده رهبران سعودی در پیوستن به روند عادی‌سازی، تابعی از تحولات منطقه‌ای و خواست دونالد ترامپ است. ترامپ بر این باور است در یک نیمروز در شرم‌الشیخ، یک مشکل ۳ هزار ساله را در خاورمیانه حل کرد! همان‌گونه که تصور می‌کند برنامه هسته‌ای تهران را برای همیشه از بین برده است.

واضح است در ادراک سعودی‌ها، آمریکا در موقعیت برتر قرار داشته و می‌تواند نظم امنیتی - سیاسی را بر منطقه تحمیل کند اما پیوستن به آبراهام می‌تواند بزرگ‌ترین قمار سعودی باشد. این چیزی نیست که با چند فروند «اف ۳۵» و وعده‌های شخصی از جنس ترامپ برای تشکیل کشور فلسطین جبران شود.

عربستان اگرچه پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ گام‌های نهایی برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی را برداشته بود اما پویایی‌های ۲ سال اخیر اثبات کرده تشکیل کشور مستقل فلسطین با واقعیت فاصله زیادی دارد. همین یکشنبه بود که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در جلسه کابینه گفت: ما همچنان با تشکیل کشور فلسطین مخالفیم؛ پس از اینکه «اسرائیل کاتس» وزیر جنگ رژیم اعلام کرد سیاست اسرائیل واضح است و اجازه تشکیل کشور فلسطین را نمی‌دهد. شاید رهبران سعودی امید دارند با کنار رفتن نتانیاهو از قدرت، تبعات رابطه با اسرائیل کاهش یابد اما شرایط اجتماعی داخل سرزمین اشغالی دگرگون شده و طیفی که غالبا در جناح چپ اسرائیلی هستند و طرفدار مصالحه برای تشکیل کشور فلسطین، در اقلیت هستند و جامعه صهیونیست بیش از هر زمانی نسبت به فلسطین سرسخت شده است.

بن‌سلمان در دفتر بیضی گفت: «ما می‌خواهیم بخشی از توافقنامه‌های آبراهام باشیم اما همچنین می‌خواهیم مطمئن شویم مسیر روشنی برای راه‌حل ۲ کشور ایجاد می‌کنیم». نیویورک‌تایمز درباره این قسمت از گفته‌های ولیعهد سعودی نوشت: او عبارتی را بیان کرد که می‌داند بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر و بسیاری از دیگر اعضای تشکیلات سیاسی اسرائیل، آن را کاملاً رد خواهند کرد.

محور دوم به توافقات امنیتی ریاض-واشنگتن و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای عربستان برای داشتن پروژه هسته‌ای برمی‌گردد. وبگاه «ریسپانسیبل استیت کرافت» وابسته به اندیشکده کوئینزی نوشت: وقتی از ترامپ درباره احتمال توافق هسته‌ای غیرنظامی بین آمریکا و عربستان سوال شد، او به خبرنگاران گفت اگرچه این اتفاق ممکن است رخ دهد اما فوری نیست. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین از اعلام پیمان دفاعی دوجانبه مورد انتظار بین ۲ کشور - که مدت‌ها مورد نظر ولیعهد سعودی بود - خودداری کرد، هرچند گفت آنها «تقریباً» درباره این چشم‌انداز به توافق رسیده‌اند.

نیویورک‌تایمز در تحلیل خود از ملاقات رهبران آمریکا و عربستان نوشت: ولیعهد به هر آنچه می‌خواست، دست نیافت. توافق هسته‌ای که به مدت یک دهه با واشنگتن مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود، دوباره به آینده موکول شد و ۲ طرف بر سر مهلت‌های نامشخصی برای حل مساله بغرنج اجازه غنی‌سازی اورانیوم توسط سعودی‌ها به توافق رسیدند. همچنین مشخص نبود آیا ۲ طرف به یک پیمان دفاعی تمام‌عیار رسیده‌اند یا خیر؛ پیمانی که هر دو از قریب‌الوقوع بودن آن خبر داده‌اند. بحث عمومی کمی درباره آن در دفتر بیضی وجود داشت و کاخ سفید به جای خود توافق، یک «برگه اطلاعات» مبهم منتشر کرد که در آن به چندین حوزه همکاری اشاره شده بود اما به هیچ‌وجه به تعهدات دفاعی متقابل ایالات متحده با مثلاً ژاپن، کره‌جنوبی و فیلیپین نمی‌رسید.

به نوشته نیویورک‌تایمز، ممکن است ماه‌ها یا سال‌ها طول بکشد تا کسی بتواند با قطعیت نتیجه بگیرد آیا قراردادهای اعلام شده در روز سه‌شنبه به بزرگی آن چیزی است که هر ۲ مقام عالی‌رتبه توصیف کردند یا خیر. کنگره قرار است درباره «اف ۳۵»ها رأی‌گیری کند. ممکن است مدتی طول بکشد آنها در باندهای عربستان سعودی بنشینند. از حالا تا آن زمان ممکن است اتفاقات زیادی رخ دهد. همین امر درباره رآکتورهای هسته‌ای نیز صادق است. اگر دولت ترامپ به قانون پایبند باشد، هرگونه توافقی که به عربستان سعودی قابلیت هسته‌ای قابل توجهی می‌دهد، منوط به تأیید کنگره است و اینکه چه کسی فناوری غنی‌سازی را کنترل می‌کند، بسیار مهم خواهد بود.

به اعتقاد تحلیلگران دفاعی، سوال اصلی برای ریاض این نیست که آیا ترامپ فروش جنگنده‌ها را تأیید خواهد کرد یا خیر، بلکه این است که ترامپ چه مقدار فناوری پیشرفته‌ای که «اف ۳۵» را ارتقا می‌دهد، در اختیار عربستان قرار خواهد داد؟

ادامه در صفحه ۲